

## عنوان مقاله:

پایان لسهفر

## محل انتشار:

فصلنامه جامعه، فرهنگ و رسانه، دوره 6، شماره 23 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

## نویسنده:

نیما شجاعی - دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی

## خلاصه مقاله:

این گرایش به امور عمومی که بهراحتی در فردگرایی [1] و لسهفر [2] خلاصه‌اش میکنیم، امکان حیاتش را از جویبارهای بسیار متفاوتی از اندیشه و چشمه‌های احساس گرفته است. بیش از یکصد سال است که فیلسوفان بر ما حکومت کرده‌اند، زیرا همه آنها بهطور معجزه‌آسایی تقریباً یا ظاهراً بر این یک چیز توافق داشته‌اند. از آن زمان تاکنون هنوز نتوانستیم با نوای جدیدی همراه شویم. اما، تغییری در راه است. صدای پایش را بهطور مبهمی میشنویم. صدایی که زمانی واضحترین و متمایزترین صدا بود [و] همیشه بشر سیاسی [3] را آموزش داده بود. در آخر آن ارکستر با سازهای گوناگون و کرال رسا در دوردستها به پایان میرسد. در پایان سده هفدهم «حق الهی پادشاهان» جای خود را به «آزادی طبیعی و قرارداد» داد، و «حق الهی کلیسا» جای خود را به اصل «تساهل و رواداری» و به این دیدگاه داد که کلیسا «جامعه‌ای متشکل از افراد داوطلب» است، آن هم به گونهای «کاملاً آزاد و خودانگیخته» (لاک، نامه‌ایی در باب تساهل و رواداری). پنجاه سال بعد، بنیان الهی و ندای مطلق وظیفه [4] جای خود را به محاسبات سود و فایده داد. این آموزه‌ها بهکوشش لاک و هیوم مبنای فردگرایی قرار گرفتند. این پیمان حقوق فرد را مسلم میانگاشت؛ این اخلاقیات جدید که فرد را محور همهچیز قرار داده بود چیزی بیش از مطالعه علمی پیامدهای خوددوستی عقلانی [5] نبود. هیوم میگفت «تنها مسئله‌ای که فضیلت [6] اقتضا میکند صرف محاسبه و ترجیح‌ای دائمی برای خوشبختی بیشتر است» (جستاری در باب اصول اخلاق، بخش ۶۵). این ایده‌ها با اندیشه‌های عملی محافظهکاران و حقوقدانان سازگار بود. آنها بنیان فکری قابلقبولی در مورد حقوق مالکیت و آزادی فردی که در مورد خود و خواسته‌هایش مختار بود، فراهم آورده بودند. اینها بخشی از سهم [اندیشه] سده هجدهم بود که ما همچنان در آن فضا تنفس میکنیم.

individualism

[۲]

Laissez-Faire [۳]

political

[۱]

Virtue [۶] rational self-love [۵] duty [۴] mankind

## کلمات کلیدی:

لسه فر، پایان، فردگرایی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1186678>

